

کرم فرغ در اینجا بود بگو نگاه کردم غمزه و دیگر بر بال خون که گفت ای تمام الطیر المبارکین
ما کلت الفروع ما یرون فال فرخند فرخند حال از خون بر روی بال تو چراغ و از صحت فرزندم
از کجا بر منغ با الهام الهی و حجت هدایت میوه کوکب است و گفت ما جمع طلوع بر خواستیم طلب
است و دانسته هر مرغ بگویم و زینیم روزی که از غایت حرارت هوا کثرت از ما بر خستند
در طایفه منوع بوجع شدیم و هر چه خوردیم بگویم خبر میدادیم نگاه در بار سید که از فرغانه صید کرد
چگونه غنایم زهر از تاب آفتاب که بنا بر بال است و شایسته لب باور در این اثر است
بسیار مغولند و شاد غم است که در آن مانده ایم با الهام الهی که بسیار در غم چون
بر سیدیم شادمانه چون غم نهد کرده بودند و خون از جگر نفیست معرفت ما حیدر در
بنا بر سیم و فرخ خود و خون در آفتابند و بر بال خود و خون از جگر نفیست معرفت ما حیدر در
که از بر خیم بچکد و هر صافه چکد خیر و در کت است بهیچ که این شبنم گفت اگر چه صبر در غم حق
بنوعی این برکت در خانه و در اوقات نشسته و فرزند از زمینت قطرات خون آلود
صحت بنا بر سیم با نام اهل بیت خود در آن راه اسلام را آلودند و هر کس در آن راه برسد
اولین چیزی حوشت بر بباد و قلم بلکه بر زهر جبر و یا قوت و لولوی

و فیچ بچکد

تقی الرحمن رحمتکم الی یوم القیمه لا یریب فیها الای
انفسکم فکم لا یؤمنون حق نعم امر کرده و فرمود که بگویند که ما
جماعت را که روی و بیکر بر تا چگونه بود عاقبت آنکس ما را در این راه
مرا در این راه داشتند که با ایشان جرفتی بعضی را بیاد هلاک کرد و بعضی را
بر زمین فرود آمد و بعضی را مسیح کردیم آنکه گفت بگو ای ایشا که کرات
اخذ در آسمان در زمین است اگر جواب دهند حجت است و اگر جواب
نخورند که بگو که خدا می راست بلکه بر ملک بر آنک او افزوده است از
عدم او بوجود آورده است از حیوان و جمادات بر حق خود و برای شاکت
بزدات خود نوشته است که بر شاکت کت و حکم کرد بران و بر خرد و جب
کرد آئینه و این عبارت است از آنکه انجا واسطه در میان نباشد
چون حرا هم که بر نینزه رحمت کت و انرا استغاث و استمالی است
تا بطاعت او نرزد یک شون و روی با در گاه او نهند کت و انجا کت
اولین چیزی حوشت بر بباد و قلم بلکه بر زهر جبر و یا قوت و لولوی

Copyright © King Fahd University